

چرا کودکان ما به مطالعه علاقه مند نیستند؟

اکرم فحل عراقی
کارشناس علوم تربیتی - تهران



ابزارهای پیشرفته دیگر، هم‌چنان جایگاه خاص و یگانه خود را حفظ کرده است. میزان توجه به کتاب و کتابخوانی، نشانگر رشد فرهنگی و ملی هر کشور است. هم‌چنین بی‌توجهی به

کتاب، یکی از مهمترین ابزارهای فرهنگی است که در طول قرون متمادی، همواره عاملی مهم در تضمین رشد و پویایی جوامع بشری بوده و با وجود رشد روز افزون رسانه‌ها و

۴۴
پژند

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی
فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶
شماره ۳۳۱ - ۳۳۰

کتاب و کتابخوانی، نوعی بیماری فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود که ناشی از فراگیر نشدن فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در بین قشرهای گوناگون مردم يك جامعه است که می‌تواند در دراز مدت ضربه‌های جبران ناپذیری بر بیکره فرهنگ کشورها وارد کند.

یکی از معیارها و شاخص‌های توسعه یافتگی جوامع، میزان و گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در بین افراد جامعه است؛ بنابراین فراهم کردن بستر لازم برای رشد و گسترش فرهنگ مطالعه و تقویت نگرش‌های علمی در بین کودکان و نوجوانان، لازمه توسعه فرهنگی به شمار می‌آید.

«اگر عشق به مطالعه از همان اوان کودکی در نهاد کودک بارور نشود و اگر مطالعه به عنوان يك نیاز معنوی زندگی کودک در نیاید، روح او در سنین جوانی تهی خواهد بود. آن وقت است که سادگی و نپختگی جوانی، راه را برای بدی‌ها باز می‌کند و گوشه‌های تاریکتر طبیعت انسان آشکار می‌شود، (موتیاشو، ۱۳۷۲، ص ۳۹).

حال بینیم مطالعه و خواندن دارای چه تعاریف و ابعادی است و چرا کودکان به مطالعه علاقه ندارند.

تعاریف و ابعاد مطالعه

مطالعه، بررسی عمیق و همه جانبه يك مقوله است، به طوری

که بخشی از حواس آدمی یا تمامی آن در این امر مشارکت داشته باشد. به عبارت دیگر، مطالعه «روفتی است که از به کارگیری ذهن و به منظور دریافت اطلاعات، توجه دقیق و تجربه و تحقیق درباره هر موضوع، رویداد و پدیده صورت می‌گیرد و شامل خوب دیدن، خوب شنیدن و لمس کردن، چشیدن، تجربه کردن، پرسش کردن و به دنبال پاسخ‌ها بودن می‌شود» (فرهنگ ویستر، ص ۱۸۰۸).

خواندن می‌تواند زیر مجموعه مطالعه باشد. عملی که در آن دیدن، شناسایی کردن علائم نوشتاری، تبدیل علائم نوشتاری به صوتی، درک مجموعه علائم و آواها و در نتیجه درک معنا از آن حاصل می‌شود؛ اما این درک بی‌هدف صورت نمی‌گیرد و در خواننده گاه به قصد آموختن، زمانی با هدف آگاه شدن و در جایی هم به قصد لذت بردن و پرکردن اوقات فراغت به آن روی می‌آورد که هر سه می‌تواند با هم همراه باشد.

موانع و مشکلات خواندن

تحقیق‌ها نشان دهنده آن است که کودکان و نوجوانان در هر جامعه‌ای فعالترین و علاقه‌مندترین خوانندگان به حساب می‌آیند، ولی هیچ‌گونه ضمانتی برای تداوم خواندن آن‌ها وجود ندارد. به سخن دیگر، وظیفه بزرگسالان تنها به ایجاد اشتیاق خواندن در کودکان و نوجوانان خلاصه نمی‌شود، بلکه آن‌ها



باید در جهت تداوم خواندن در کودکان و نوجوانان برنامه‌های مؤثر، پویا و منطبق با واقعیت‌ها و شرایط پیش‌بینی کنند و گام به گام در این برنامه‌ها با آن‌ها همراه باشند تا عادت به خواندن شکلی پایدار به خود بگیرد. به طور مسلم در این برنامه‌ریزی‌ها عوامل بازدارنده نیز باید بررسی شود، عواملی که می‌تواند سبب شکست برنامه‌های خواندن شود. این عوامل بازدارنده عبارت‌اند از:

۱- موانع فردی

ابتدا باید به موانع فردی اشاره کرد که می‌تواند ریشه‌های جسمی، روانی و اجتماعی داشته باشد. معلولیت‌ها می‌تواند در زمره موانع فردی شناخته شود. کودک نابینا هر قدر هم که علاقه‌مند به خواندن باشد، اگر در برابر موانع فیزیکی (عدم توانایی خواندن متون عادی چاپی) چاره جویی‌هایی صورت نگیرد، او قادر به خواندن نخواهد بود.

۲- موانع روانی یا اجتماعی

گاه ریشه‌های روانی یا اجتماعی به صورت مانع چهره می‌نمایند. آمادگی برای خواندن تا حدود زیادی به ارزش و اهمیتی که جامعه به امر خواندن می‌دهد، بستگی دارد. در جامعه‌ای که خواندن ارزش به شمار نمی‌آید، انتظار آن که کودکان و نوجوانان با اشتیاق به خواندن روی بیاورند، انتظاری نامعقول و غیرواقع بینانه است. در این حالت کودکان و نوجوانان عدم علاقه به خواندن خود را در پشت توجیه‌هایی نظیر نداشتن وقت کافی برای مطالعه یا خستگی ناشی

از برنامه‌های آموزش رسمی پنهان می‌کنند. حال آن که هر گاه شرایط پیرونی تشویق‌کننده و هدایت‌گر باشد، کودک خود به خود داوطلبانه به این وادی گام می‌گذارد.

۳- سطح کیفی آثار چاپی

نکته دیگری که می‌توان آن

را مانع جدی تلقی کرد، سطح کیفی آثار چاپی است. همیشه خواندن را نباید ناشی از عدم علاقه دانست. محتوای آثاری که در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد در ایجاد علاقه‌مندی بسیار مؤثر است.

خواندن گاه اعتراضی است به محتوای آثار و کیفیت نازل آن‌ها. خواندن غیرموظف عملی است داوطلبانه، لذا فرد باید با آثاری روبه‌رو باشد که در او علاقه‌مندی به وجود آورد.

۴- توسعه رسانه‌های صوتی و تصویری

یکی دیگر از مقوله‌هایی که بر خواندن کودکان و نوجوانان تأثیر گذاشته و سبب نگرانی کارشناسان شده است، رشد و توسعه رسانه‌های صوتی و تصویری قبل از تثبیت وضعیت مواد مکتوب است که پاره‌ای از کارشناسان آن را در رقابت با کتاب، حتی کتاب‌های خوب نیرومندتر می‌بینند و از آن جا که کودک در برابر محمل‌های آگاه شدن، آموختن و لذت بردن حق انتخاب دارد، بیشتر به طرف این رسانه‌ها تمایل نشان می‌دهد، چرا که از جذابیت بیشتر برخوردارند و معمولاً پیش‌نیازی برای استفاده از آن‌ها وجود ندارد. تردیدی نیست که در عصر سلطه رسانه‌های صوتی و تصویری نمی‌توان از کودکان و نوجوانان انتظار داشت به اندازه نسل‌های گذشته خود را مقید به کتاب کنند، زیرا در کسب آگاهی، آموزش بهتر و پرکردن اوقات فراغت رسانه‌های دیگر نیز وجود دارند. واقع بینانه آن است که جایگاه کتاب را در میان همه رسانه‌هایی که در اختیار کودکان

و نوجوانان قرار دارد بشناسیم و کتاب‌ها را چنان با وضعیت جدیدشان تطبیق بدهیم که در زندگی روزانه کودکان باقی بمانند.



- اجبار یا تنبیه برای وادار کردن به مطالعه و در حین آن.
- مرتبط نبودن محتوای مورد مطالعه با امور معنی دار زندگی.
- جالب و جاذب نبودن کتاب‌ها.
- پیوسته خواندن کتاب.
- وجود اختلالات روانی مانند اضطراب، افسردگی، عدم اعتماد به نفس، تحریک بیش از حد و...
- نداشتن مهارت‌های کافی در مطالعه.
- وجود مشکلات خانوادگی و تعدد فرزندان.
- مشکلات موجود در آموزشگاه.
- ابتلا به بیماری‌های جسمانی.
- درک نکردن لذت مطالعه.
- تأکید بیش از حد والدین بر خواندن.
- داشتن دوستان بی‌علاقه به مطالعه.
- موقعیت نامناسب مطالعه از نظر دمای نامناسب، نور کم، سر و صدا و فضای نامناسب و...

فهرست منابع:

- قزل ایاغ، ثریا (۱۳۷۳). «خانواده، کودک و خواندن». پیوند، نشریه انجمن اولیا و مربیان، ش ۱۷۴.
- قزل ایاغ، ثریا (۱۳۸۳). «ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن». تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ایمانی، محسن (مهر و آبان ۱۳۸۱). «آسیب‌شناسی مطالعه». پیوند، نشریه انجمن اولیا و مربیان، ش ۲۷۶ و ۲۷۷.
- پولادی، کمال (خرداد ۱۳۷۴). کتابخانه کودک، ترویج و توسعه کتابخوانی. نشریه گلبنانگ، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شماره ۳.
- موتیاشو، ایگور (۱۳۷۲). «کودک امروزی و تمایل او به مطالعه». هفده مقاله درباره ادبیات کودکان. ترجمه آتش جعفرنژاد، تهران: شورای کتاب کودک.

براین اساس، واقعیت‌ها حکم می‌کند که جایگاه کتاب را با توجه به شرایطی ببینیم که سرشتی دگرگون شونده دارند. به گفته یکی از کارشناسان، بهترین راه پیش‌بینی آینده این است که آن را اختراع کنیم (دیردن، ۱۳۷۲، ص ۱۱۸). او در توجیه این نظر خود می‌گوید لازم است بررسی کنیم و ببینیم که سایر رسانه‌ها از عهده چه کارهایی بهتر بر می‌آیند و آن عرصه‌ها را به آن‌ها بسپاریم و کتاب را در مسیری قرار بدهیم که رسانه‌های دیگر در رقابت با آن ناتوان‌ترند.

با توجه به شرایط و واقعیت‌ها می‌توان پیش‌بینی کرد کتاب‌هایی که جذاب، عمیق و شیرین باشند، با تجربه‌ها، نیازها، علایق و توانایی‌های کودکان هماهنگ باشند، به کنجکاوی‌های خودانگیخته و آرمان‌های بلند پروازانه آن‌ها پاسخ دهند، تخیل سیال آن‌ها را به بازی بگیرند، بر وسعت تجربه‌های آن‌ها بیفزایند و از ارزش‌های هنری و ادبی والایی برخوردار باشند، همچنان درکنار سایر رسانه‌ها در زندگی کودکان و نوجوانان حضور مؤثر خود را حفظ می‌کنند و از دریچه لذت آفرینی، علاقه، و سرانجام عادت به خواندن را در آن‌ها به وجود آورده، حفظ می‌کنند و گسترش می‌دهند.

۵- از دست دادن علاقه به مطالعه

یکی از مهمترین عواملی که به مطالعه آسیب می‌رساند، از دست دادن علاقه به مطالعه است. لذا بارها شاهد بوده‌ایم دانش‌آموزانی که قبلاً با علاقه به سوی مطالعه گام بر می‌داشتند، اینک از رفتن به طرف کتاب امتناع می‌کنند. علاقه نداشتن به انجام هر کاری مانع جدی بر سر راه تحقق آن کار یا پیشرفت آن است و این امر تنها در مورد مطالعه مصداق ندارد. اینک این سؤال پیش می‌آید که چه عواملی باعث شده است که کودک ما از مطالعه دوری کند و نسبت به انجام دادن آن بی‌رغبت باشد؟ علل و عوامل بسیاری باعث امتناع فرزند از مطالعه می‌شوند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- عدم تشویق مادی و اکتفا به تشویق کلامی.